

## تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر توانمندسازی مهارتی زنان

( مطالعه موردی کارآموزان مرکز شماره ۷ خواهران ایلام )

رضا نصری ۱

امین رستم نیا ۲

فریبا جمشیدی ۳

### چکیده

هدف کلی تحقیق حاضر بررسی تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر توانمندسازی مهارتی زنان (کارآموزان مرکز شماره ۷ خواهران ایلام) می‌باشد. نوع تحقیق توصیفی و کاربردی است و ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه بود که پس از طراحی روایی صوری آن (بر اساس دیدگاه صاحب‌نظران) و پایایی آن (با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۴) سنجیده و در اختیار نمونه‌های جامعه آماری تحقیق قرار داده شد. جامعه آماری تحقیق ۱۰۰ نفر از کارآموزان ۸ رشته آموزشی مرکز را شامل و نمونه آماری بر اساس جدول مورگان ۸۶ نفر تعیین گردید. پرسش‌نامه‌های دوگانه شامل ۱۵ گویه جهت سنجش توانمندی و ۱۸ گویه جهت سنجش ویژگی‌های شغلی و مهارتی کارآموزان زن تهیه، تکمیل و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. بر اساس نتایج حاصله دوره‌های آموزشی در تمامی نشانگرهای توانمندی در حد متوسطی نقش داشته‌اند. تحلیل عاملی نیز برای ویژگی‌های دوره‌های آموزشی مهارتی مرکز خواهران ۳ عامل: اثرات روانی، اثرات شغلی و مهارتی، شایستگی و خودباوری با واریانس ۶۳/۷۴ معرفی نمود. بر اساس نتایج رگرسیون گام‌به‌گام ۶ متغیر مستقل به مدل وارد شده‌اند که توانسته‌اند ۹۴/۲ درصد تغییرات توانمندی مهارتی کارآموزان زن مرکز خواهران ایلام را تبیین نمایند.

کلمات کلیدی: آموزش فنی و حرفه‌ای ایلام، توانمندی مهارتی، زنان

۱- دکتری کشاورزی، مدیر کل آموزش فنی و حرفه‌ای استان ایلام. nasri2003\_r@yahoo.com

۲- کارشناسی ارشد مدیریت اجرایی، کارشناس اداره کل آموزش فنی و حرفه‌ای استان ایلام

۳- کارشناس مسئول تعاون اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان ایلام

تصویب نهایی: ۹۷/۰۳/۱۹

دریافت مقاله: ۹۷/۰۱/۱۸

## مقدمه

همه متفکران و اندیشه‌ورزان در جهان امروز اتفاق نظر دارند که آموزش از حقوق اساسی هر انسان به شمار می‌رود. در فرهنگ ملی، اسلامی ما نیز آموزش و یادگیری نه تنها حق انسان به شمار آمده، بلکه به‌عنوان یک "فریضه" بر هر مرد و زن واجب شده است. در فرهنگ دینی ما آموزش و یادگیری منحصر به جنسی خاص نیست و دربرگیرنده همه انسان‌ها اعم از زن و مرد، با هر موقعیت اجتماعی و مرتبه شغلی و وضعیت اقتصادی است. به لحاظ ضرورت‌های اجتماعی نیز آموزش زنان از توجهات کافی و وافی برخوردار است.

زنان نیمی از سرمایه انسانی هر کشور را تشکیل می‌دهند و حتی به قولی آن‌ها مربی جامعه هستند. زنان برای ایفای نقش اجتماعی و برای نیل به رستگاری فردی و مشارکت در پیشبرد اهداف جامعه، نیازی مبرم به آموزش در جنبه‌های مختلف دینی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، بهداشت و ایمنی، تغذیه و سلامت و مسائل تربیتی و خانوادگی دارند. زنان به‌عنوان یکی از ارکان توسعه کشور در چارچوب فعالیت‌های اجتماعی خود برای همگامی با دنیای پویا و متحول امروزی و برای مشارکت مؤثر در سرنوشت خود و خانواده و همیاری در تصمیم‌سازی در جامعه مدنی ایران، نیازمند آموزش هستند. زنان در جامعه امروز ما، برای نقش‌آفرینی بهتر در جایگاه‌های مختلف، همچون خانواده (همسری و مادری)، روابط اجتماعی با دیگر افراد جامعه و انجام وظایف شغلی خود باید مجهز به سلاح دانش و مهارت‌های لازم باشند. بدیهی است منظور از آموزش زنان، فقط انتقال و انباشت اطلاعات و معلومات نیست، بلکه ایجاد توانایی تفکر خلاق و سازنده برای حل مسائل فردی و اجتماعی موردنظر است.

توجه به آموزش زنان و علی‌الخصوص آموزش‌های مهارتی آن‌ها به تحقق آرمان‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه یاری می‌رساند و از این جهت، بخشی از فرایند کلی رشد و توسعه کشور محسوب می‌شود. مسلماً جامعه ما برای رسیدن به فردایی بهتر، به زنان آگاه و ماهر نیاز دارد. واقعیت این است که هرگونه تحول و تغییر سازنده‌ای بدون توجه کافی به آموزش زنان، غیرممکن است. کاملاً روشن است که همه بزرگسالان از جمله زنان دارای یک سلسله دانش و تجربیات آموزشی و مهارت‌های شغلی و حرفه‌ای هستند. اما این دلیل نمی‌شود که آن‌ها را بی‌نیاز از هرگونه برنامه‌های دانش‌افزایی و مهارت‌های نو بدانیم. چراکه با سرعت چشمگیری که در تحولات علمی و مناسبات اجتماعی مشاهده می‌شود، بدیهی است دانش و اندوخته‌های این گروه و همچنین مهارت‌های علمی آن‌ها هرروز کهنه‌تر شده، "روزآمدی" و "کارآمدی" خود را از دست می‌دهد. کشور ما که با تکیه بر نیروهای خودی به سوی کسب و حفظ استقلال در همه شئون اقتصادی، سیاسی و فرهنگی گام برمی‌دارد، بدون مشارکت زنان توانمند به اهداف خود دست نخواهد یافت. ما باید به آموزش مستمر زنان اندیشه کنیم و برنامه‌های منظم و مدونی در قالب آموزش‌های غیررسمی در سه بعد دانش‌افزایی، تغییر و اصلاح نگرش‌ها و مهارت‌آموزی برای آن‌ها فراهم نماییم. لذا در این تحقیق بر آن شدیم که میزان تأثیر آموزش‌های غیررسمی فنی و حرفه‌ای را بر توانمندسازی مهارتی زنان مورد تحلیل و بررسی قرار دهیم.

امروزه، اشتغال یکی از شاخص‌های نوسازی اقتصاد ملی و توسعه‌ی اقتصادی بشمار می‌رود. بااینکه ضرورت و الزام اقتصادی اشتغال و مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی همواره در تاریخ پیشرفت و توسعه جوامع مطرح بوده است، اما هنوز در این زمینه وضعیت مطلوبی برای زنان ایجاد نشده است که یکی از دلایل آن توجه اندک به آموزش زنان و عدم

بسترسازی مناسب برای ایجاد فرصت های اشتغال آنان است. این محرومیت، جایگاه اجتماعی، اقتصادی زنان را در فرایند توسعه ی پایدار به شدت تنزل بخشیده است (پاپ زن و همکاران، ۱۳۹۰)

خلوتی (۱۳۸۵) میزان توانمندی زنان خانه دار و عوامل مؤثر بر آن در شهرستان شیراز را بررسی کرد، نتایج تحقیق وی نشان داد که میزان توانمندی زنان خانه دار پایین است. آزمون فرضیات بیانگر این بود که بین سرمایه روانی، دسترسی، مشارکت و کنترل در حوزه دولت و جامعه که از متغیرهای این تحقیق بودند با میزان توانمندسازی زنان خانه دار بیشترین همبستگی وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره تحقیق وی نیز نشان داد که بر اساس ضریب تبیین تعدیل شده ۰/۸۸ تغییرات متغیر وابسته یعنی میزان توانمندی زنان خانه دار به وسیله هشت متغیر وارد شده در معادله تبیین می شود. در واقع وی نشان داد که عواملی نظیر عزت نفس، خود کارآمدی، توانایی بیان آرزوها، و علائق و جامعه عمل پوشاندن به آنها حتی زمانی که عرف و جامعه آنها را نمی پذیرد و به چالش طلبیدن شرایط موجود، آگاهی از عوامل ناتوانی و مقابله با آنها به صورت گروهی، توانایی تصمیم گیری در حوزه های مهم و استراتژیک زندگی، دسترسی به منابع مالی، مشارکت در حوزه های اجتماعی و سیاسی تعیین کننده های اصلی میزان توانمندی زنان خانه دار در ایران هستند.

پاپ زن و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهش با عنوان ارزشیابی آموزش های فنی حرفه ای زنان روستایی در زمینه ُ صنایع دستی به این نتیجه رسیدند که تفاوتی معنادار بین مهارت پیشین و کنونی پاسخگویان در زمینه ُ صنایع دستی پس از شرکت در برنامه های آموزش فنی و حرفه ای به دست آمد. بررسی تفاوت در تغییر دانش زنان روستایی بر حسب سطح تحصیلات، حاکی از آن بود که اختلافی معنی دار بین تغییر دانش زنان روستایی در سطوح

گوناگون تحصیلی وجود دارد. رهنود و همکاران (۱۳۸۷) عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان را در شرکت مخابرات ایران مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های پژوهش نشانگر آن است که سطح توانمندی کارکنان زن در حد متوسط است. نتایج حاصل از تحلیل عاملی نیز معرف عوامل تأثیرگذار است (۱) نگرش مدیریت؛ (۲) ساختار گروهی؛ (۳) ارزش‌های بین گروهی؛ و (۴) روابط اطلاعاتی. مدل تحلیل رگرسیونی نیز نشان داد که از عوامل فوق سه متغیر نخست در مدل وارد شده و مجموعاً ۶۳ درصد از تغییرپذیری در سطح توانمندی کارکنان زن را تبیین می‌کنند. کتابی و همکاران (۱۳۸۲) توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه را مورد مطالعه قرار دادند.

نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که عواملی همچون افزایش سطح تحصیلات و مهارت‌های حرفه‌ای، دسترسی به منابع مالی، بهبود وضع سلامت، برخورداری از حق مالکیت قانونی، رفع تبعیض از بازار کار و حذف باورهای سنتی عوامل مؤثری در توانمندسازی زنان هستند. شکوری (۱۳۸۷) در تحقیقی با عنوان سیاست‌های حمایتی و توانمندسازی زنان به بررسی ابعاد برنامه‌های حمایتی کمیته امداد امام خمینی (ره) در توانمندسازی زنان پرداخت. نتایج تحقیقات نشان داد که خدمات ارائه شده در قالب برنامه‌های مذکور نقش قابل توجهی در بالا بردن خوداتکایی و توانمندسازی زنان جامعه نمونه نداشته و فقط محدود به توانمندی آن دسته معدود از زنانی بوده که از خدمات خاصی مانند وام خوداشتغالی و خدمات آموزش (مهارتی) استفاده نموده‌اند و زمینه‌های مساعدتری داشته‌اند.

قلی‌پور و همکاران (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان نقش تحصیلات رسمی و اشتغال سازمانی در توانمندسازی زنان تهران پرداخت. در این تحقیق تلاش شد نقش تحصیلات و اشتغال در توانمندسازی زنان تهران بررسی شود و مقایسه شود که آیا آنچه در کشورهای غربی به

اثبات رسیده با توجه به فرهنگ و پیشینه ما مصداق دارد یا خیر. داده‌های تحقیق نشان داد که تحصیلات رسمی اثر معنی داری روی توانمندسازی زنان شهر تهران دارد. هرچند انتظار محققین این بود که ضریب تحصیلات از درآمد بالا باشد ولی به دلیل نرخ بالای بیکاری در کشور و انتظار پایین دریافتن شغل برای زنان در ایران موجب شده است که ضریب تحصیلات نسبت به اشتغال در مدل آن‌ها پایین باشد. منفرد (۱۳۸۷) نقش آموزش‌های علمی کاربردی در توانمندسازی فارغ‌التحصیلان کارآفرین را بررسی نمود.

یافته‌های پژوهش نشان داد که آموزش‌های علمی کاربردی می‌تواند در گسترش کارآفرینی مورد استفاده قرار گیرد. یافته‌ها بیانگر این است که آموزش‌های علمی کاربردی با تأثیر بر ۳۳ مورد از ویژگی‌های شخصی و فردی و شغلی دانشجویان زن، در توانمندی آن‌ها مؤثر بوده و آن‌ها را برای کارآفرینی آماده می‌کند. شکوری و همکاران (۱۳۸۶) در تحقیقی با عنوان مؤلفه‌های توانمندی زنان و تبیین عوامل مؤثر بر آن‌ها به این نتیجه رسید که تنها ۴۰ درصد زنان دارای مهارت حرفه‌ای و ۶۰ درصد فاقد مهارت بودند.

بررسی تفصیلی نشان داد که از بین افرادی که مهارت حرفه‌ای داشته‌اند، ۱۲/۴ درصد خیاطی، ۱۱/۵ درصد آرایشگری، ۴/۴ درصد قالی‌بافی، ۲/۲ درصد مهارت‌های رایانه‌ای و ۵/۳ درصد از سایر مهارت‌ها برخوردار بوده‌اند. و تنها ۲۶ درصد افراد دارای مهارت‌هایی می‌باشند که می‌توانند از طریق آن کسب درآمد نمایند. جعفری مهتاش (۱۳۸۵) آن دسته از خدمات کمیته امداد که صرفاً جنبه کمک مالی دارند، تأثیر چندانی بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار نداشته و فقط آن دسته از خدمات کمیته امداد که در راستای تقویت عاملیت زنان می‌باشد، وام‌های خوداشتغالی و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای می‌تواند منجر به توانمندسازی زنان سرپرست خانوار از نظر اقتصادی و روانی شود.

از جمله ویژگی‌های فردی که بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار بیش‌ترین تأثیر را داشته است، تحصیلات، مهارت‌ها و وضعیت اشتغال زنان بوده است. به این معنی که آن دسته از زنان که دارای تحصیلات بالاتر و یا صاحب مهارت بودند، به لحاظ این‌که با استفاده از قابلیت‌های خود قادر به کار کردن بودند، توانمندتر از سایر زنان بودند آموزش و آگاه‌سازی باعث افزایش میزان عزت‌نفس زنان سرپرست خانوار می‌شود و مشاوره، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، کارهای هنری و کارآفرینی به توانمندی زنان سرپرست خانوار کمک می‌کند.

قلی‌پور و رحیمیان (۱۳۸۸) یافته‌ها نشان‌دهنده آن است که آموزش مهارتی و طرح‌های خوداشتغالی موجب بروز احساس توانمندی در زنان سرپرست خانوار می‌شود. زنان سرپرست خانوار به دلیل داشتن نقش‌های متعدد فرصت آموزش ندارند و معمولاً در مقایسه با دیگر زنان از تحصیلات کمتری برخوردارند از این‌رو آموزش تأثیر مثبتی بر خانواده آن‌ها دارد. همچنین اغلب، بزرگ‌ترین مشکل زنان سرپرست خانوار مشکل اقتصادی است از این‌رو هر اقدامی برای کاهش این مشکل مفید خواهد بود.

قلی‌پور و رحیمیان (۱۳۸۸) زنان به دلیل نیاز مالی به دنبال شغل هستند اما با توجه به پایین بودن سطح سواد شغل مناسبی نخواهند یافت. لذا مهارت‌آموزی می‌تواند آمادگی آنان را برای اشتغال فراهم نماید. اما علتی که مهارت‌آموزی به‌عنوان یکی از ابزارهای توانمندسازی در این تحقیق مورد تأیید قرار نگرفت از نظر محققین آن است که زنان سرپرست خانوار اغلب عنوان می‌کردند از مهارتی که آموخته بودند به دلیل نداشتن سرمایه اولیه نتوانسته بودند استفاده بنمایند. البته در بعضی سازمان‌ها به افرادی که دارای مدرک فنی و حرفه‌ای بودند وام خوداشتغالی داده می‌شد ولی زنان سرپرست خانوار مطرح

می نمودند که وام مذکور برای ایجاد اشتغال شخصی کفایت نمی نماید. از این رو مهارت آموخته شده از نظر آن‌ها بدون استفاده باقی می ماند.

### روش شناسی تحقیق

پژوهش پیشروی از نوع پژوهش‌های توصیفی-کاربردی است، جامعه آماری مورد بررسی در این تحقیق کارآموزان مرکز شماره ۷ خواهران ایلام به تعداد ۱۰۰ نفر می باشند، از میان آن‌ها بر اساس جدول مورگان تعداد نمونه متناسب با جامعه به تعداد ۸۶ نفر تعیین گردید. ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق پرسش‌نامه هست. پرسش‌نامه اول مبتنی بر ۱۵ سؤال برای سنجش توانمندی و پرسش‌نامه دوم با ۱۸ گویه برای سنجش ویژگی‌های شغلی و مهارتی کارآموزان زن طراحی گردید، این گویه‌ها در قالب پرسش‌نامه سازمان‌دهی و برای سنجش دیدگاه‌ها از طیف لیکرت و درجات خیلی کم تا خیلی زیاد بهره‌گیری شد.

پرسش‌نامه‌ها برای افراد نمونه ارسال گردید تا مؤلفه‌های توانمندی و عوامل مؤثر بران سنجیده شود. برای تعیین روایی و اعتبار پرسش‌نامه‌ها از روایی محتوی‌ای و ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید. میزان آلفای بدست آمده ۰.۹۴ است که در تحقیقات مدیریت از حد بالایی برخوردار است. افراد نمونه از طریق نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک و بر مبنای دفاتر حضور و غیاب انتخاب شدند، پرسش‌نامه‌ها پس از تکمیل، جمع‌آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS و Excel صورت گرفت. متغیرهای مستقل تحقیق در مجموع ۱۸ گویه را به خود اختصاص داده‌اند. متغیر وابسته تحقیق نیز توانمندی است که توسط ۱۵ گویه که با بهره‌گیری از نتایج تحقیقات معتبر علمی



موردسنجش قرار گرفته است. بنا به ضرورت از شیوه‌های آمار توصیفی از قبیل فراوانی، فراوانی تجمعی و نسبی، میانگین، واریانس، انحراف معیار استفاده شد. همچنین در بخش آمار استنباطی جهت آزمون فرض‌ها از روش‌ها و تکنیک‌های مختلفی نظیر آزمون همبستگی (ضریب همبستگی پیرسون)، رگرسیون گام‌به‌گام و تحلیل عامل‌ها استفاده و داده‌ها از طریق نرم‌افزار SAS و PATH تجزیه و تحلیل گردیدند.

### یافته‌ها:

#### الف) آمار توصیفی:

مشخصات پاسخ‌گویان: از نظر وضعیت تا هل ۶۹/۸ درصد پاسخ‌گویان مجرد و ۳۰/۲ درصد آن‌ها متأهل بودند. از نظر مدرک تحصیلی بیشترین پاسخ‌گویان دارای مدرک تحصیلی دیپلم، حکم‌ترین تعداد دارای مدرک تحصیلی زیر دیپلم می‌باشند. از نظر سن بیشتر پاسخ‌گویان در رده سنی ۲۱ تا ۲۵ سال قرار دادند (جدول ۱).

جدول شماره ۱- توزیع فراوانی پاسخ‌دهندگان

درصد	فراوانی	وضعیت پاسخ‌دهندگان	
۴/۷	۴	زیر دیپلم	تحصیلات
۵۸/۱	۵۰	دیپلم	
۲۵/۶	۲۲	فوق دیپلم	
۱۱/۶	۱۰	لیسانس	
۲۳/۳	۲۰	۱۵-۲۰ سال	سن پاسخ‌گویان
۳۹/۵	۳۴	۲۱-۲۵ سال	
۲۰/۹	۱۸	۲۶-۳۰ سال	
۱۱/۶	۱۰	۳۱-۳۵ سال	

۴/۷	۴	سال ۳۶-۴۰	رشته مهارتی
۱۴	۱۲	نقاشی مداد رنگی کار	
۱۱/۶	۱۰	آشپز سستی	
۷	۶	اسمبل و ارتقاء رایانه	
۹/۳	۸	طراحی گرافیک	
۱۸/۵	۱۶	بسته‌بندی محصولات تجاری	
۱۴	۱۲	نقشه‌کشی سازه	
۱۱/۶	۱۰	معرق کاشی و سرامیک	
۱۴	۱۲	قالی‌بافی	

توانمندی هنگامی به وجود می‌آید که کارآموزان قدرت و توان لازم برای انجام یک شغل یا حرفه جدید را کسب نمایند. فرض این تحقیق این است که آموزش‌های مهارتی زنان در مرکز خواهران ایلام می‌تواند در توانمندی زنان مؤثر باشد. در این تحقیق تأثیر آموزش‌های مهارتی در توانمندی زنان از طریق ۱۵ نشانگر مورد بررسی قرار گرفته است که این نشانگرها به همراه فراوانی و میانگین و رتبه در جدول (۲) آمده‌اند.

همان‌گونه که در جدول (۲) مشاهده می‌گردد نشانگرهایی که میانگین رتبه‌ای بیشتری دارند بیشترین تأثیر را از آموزش‌ها پذیرفته‌اند که شامل: ۱- افزایش روحیه نشاط و شادابی ۲- افزایش روحیه کار گروهی ۳- افزایش روحیه موفقیت طلبی ۴- افزایش قدرت تعامل با دیگران. مطالب فوق مبین آن است که کارآموزان توانمندی در سطح متوسط به بالا را از طریق این آموزش‌ها کسب کرده و توانسته‌اند نتیجه آن را در نگرش، رفتار و عمل خویش نشان دهند.

جدول ۲- توزیع فراوانی و درصد توانمندی حاصل از ارائه آموزشهای مهارتی به کارآموزان زن

اولویت	میانگین رتبه‌ها	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	هیچ	نشانگرهای سنجش توانمندی کارآموزان زن
۱	۴	۲۸	۳۴	۲۲	۰	۲	۰	افزایش روحیه و نشاط و شادابی
۲	۳/۷۷	۲۶	۳۲	۱۸	۴	۴	۲	افزایش روحیه کار گروهی
۳	۳/۷۲	۲۰	۳۲	۲۶	۶	۲	۰	افزایش روحیه موفقیت طلبی
۴	۳/۶۵	۱۸	۳۴	۲۲	۱۰	۲	۰	افزایش قدرت تعامل با دیگران
۵	۳/۶۵	۲۲	۳۰	۱۸	۱۴	۲	۰	افزایش قدرت تدبیر در کار
۶	۳/۶۰	۲۲	۲۸	۲۴	۴	۸	۰	افزایش اعتماد به نفس
۷	۳/۵۶	۱۶	۳۰	۳۰	۶	۴	۰	افزایش انعطاف پذیری
۸	۳/۵۳	۲۰	۲۴	۲۸	۱۰	۴	۰	افزایش قدرت درک و شناخت حرفه
۹	۳/۵۳	۱۰	۳۸	۲۶	۱۲	۰	۰	تقویت و افزایش تلاش مؤثر
۱۰	۳/۴۶	۱۲	۳۴	۲۶	۱۰	۴	۰	افزایش خلاقیت
۱۱	۳/۳۹	۱۶	۲۴	۳۰	۱۰	۶	۰	افزایش روحیه ابتکار و نوآوری
۱۲	۳/۳۹	۱۶	۲۲	۳۲	۱۲	۴	۰	افزایش قدرت برتری نسبت به دیگران
۱۳	۳/۳۵	۱۰	۲۸	۳۸	۴	۴	۲	افزایش توانایی به کارگیری ریسک‌های حساب شده
۱۴	۳/۳۰	۱۴	۱۸	۳۸	۱۲	۴	۰	افزایش واکنش در برابر پیشنهادات
۱۵	۲/۹۳	۶	۱۶	۴۲	۱۲	۸	۲	افزایش روحیه پویایی و رهبری

اما متغیرهایی مانند: ۱- افزایش روحیه پویایی و رهبری ۲- افزایش واکنش در برابر پیشنهادات ۳- افزایش توانایی به کارگیری ریسک‌های حساب شده، میانگین رتبه‌های کمتری را کسب کرده‌اند و در اولویت‌های پایین‌تری قرار گرفته‌اند که نشان‌دهنده تأثیر کمتر

آموزش‌های مهارتی مرکز خواهران در این خصوص یا عدم توجه مدیران مراکز به این موارد می‌باشد.

جدول ۳- توزیع فراوانی و درصد سنجش ویژگی‌های شغلی و مهارتی کارآموزان زن

اولویت	میانگین رتبه‌ها	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	هیچ	نشانگرهای سنجش ویژگی‌های شغلی و مهارتی کارآموزان زن
۱	۳/۹۷	۳۲	۲۶	۲۴	۲	۲	۰	افزایش دانش و آگاهی در رابطه با رشته آموزشی
۲	۳/۷۶	۱۸	۴۴	۱۶	۲	۶	۰	افزایش انگیزه در جهت شرکت مؤثر در کلاس
۳	۳/۷۶	۲۶	۳۲	۱۸	۴	۴	۲	افزایش رغبت به کار گروهی
۴	۳/۶۵	۲۶	۳۰	۱۴	۶	۱۰	۰	این مهارت احساس توانایی خوبی به من داده است
۵	۳/۶۵	۲۲	۳۰	۱۸	۱۴	۲	۰	افزایش توان انجام کار باتدبیر و روش‌های بهتر
۶	۳/۶۰	۲۲	۲۸	۲۴	۴	۸	۰	افزایش قدرت اتکا به خود
۷	۳/۴۹	۱۸	۳۴	۱۸	۸	۴	۴	افزایش مهارت در به‌کارگیری آموخته‌ها در بازار
۸	۳/۴۸	۱۸	۳۰	۲۴	۶	۶	۲	افزایش تغییرات مؤثر در من شده است
۹	۳/۴۶	۱۶	۴۰	۱۰	۱۰	۸	۲	افزایش توان علمی مطلوب
۱۰	۳/۳۲۵	۱۴	۳۴	۱۸	۸	۱۰	۲	افزایش تمجید از سوی خانواده
۱۱	۳/۳۲	۱۲	۳۶	۱۸	۱۰	۱۸	۲	افزایش آگاهی از شغل‌های مرتبط با رشته آموزشی
۱۲	۳/۳۰	۱۲	۳۲	۲۰	۱۶	۴	۲	این مهارت مرا نسبت به دیگران برتر می‌نماید

۱۳	۳/۲۸	۱۴	۳۰	۲۰	۱۲	۸	۲	افزایش دانش و آگاهی از فناوری‌های نوین رشته
۱۴	۳/۱۹	۱۰	۳۴	۲۰	۱۰	۸	۴	افزایش آگاهی از بازار کار این رشته آموزشی
۱۵	۳/۱۴	۱۰	۳۲	۱۸	۱۴	۱۰	۲	افزایش توانایی ایجاد تغییر در جهت مطلوب.
۱۶	۳/۰۷	۱۴	۲۴	۲۶	۶	۸	۸	مشارکت در تصمیمات خانواده و محیط زندگی
۱۷	۳/۰۶	۱۸	۲۰	۲۰	۱۴	۶	۸	انگیزه در جهت ایجاد کارگاه خوداشتغالی
۱۸	۳/۰۲	۱۸	۱۴	۲۶	۱۶	۴	۸	بامهارتی که آموخته‌ام می‌توانم شغل ایجاد کنم

محتوی آموزشی باید تا حد ممکن بر مبنای نیازهای یادگیرنده باشد و با واقعیت‌های محیط زندگی و کاری فراگیر ارتباط داشته باشد. نظام آموزشی باید این تجارب را با رشته علمی مرتبط نموده و زمینه استفاده از قوانین و حقایق علمی را در زندگی فراهم آورد، توجه به تغییرات اجتماعی در تعیین محتوی آموزشی باید مورد توجه برنامه‌ریزان آموزش‌های مهارتی قرار گیرد. همان‌گونه که در جدول شماره (۳) استنباط می‌شود دیدگاه پاسخ‌دهندگان نسبت به ویژگی‌های شغلی و مهارتی کارآموزان زن در حد متوسط تا زیاد می‌باشد و گویه‌های ۱- افزایش دانش و آگاهی در رابطه با رشته آموزشی ۲- افزایش انگیزه در جهت شرکت مؤثر در کلاس ۳- افزایش رغبت به کار گروهی ۴- احساس توانایی ۵- افزایش توان انجام کار باتدبیر و روش‌های بهتر ۶- افزایش قدرت اتکا به خود با میانگین بالاتر از ۳/۵ رتبه‌های اول تا ششم را به خود اختصاص داده و کمترین میانگین رتبه‌ای نیز به توان ایجاد شغل و توان

ایجاد کارگاه خوداشتغالی اختصاص داشت که بایستی برنامه‌ریزان آموزش‌ها در تدوین محتوی آموزش‌های مهارتی به این موارد توجه ویژه داشته باشند.

### (ب) آمار تحلیلی:

۱) تحلیل عاملی آموزش‌های مهارتی زنان: در این تحقیق برای تعیین مقیاس‌های مرتبط با آموزش‌های مهارتی زنان از تحلیل عاملی برای ۱۸ متغیر که ویژگی‌های این آموزش‌ها را تعیین نموده‌اند بهره‌گیری شد تا مشاهده گردد که آن‌ها را در چند عامل می‌توان خلاصه نمود. در این خصوص تحلیل عاملی صورت گرفت و در ابتدا میزان KMO محاسبه گردید که معادل ۰/۸۵۷ که حکایت از کفایت حجم نمونه داشته و ضریب بارت است معادل ۱۶۲۷/۳۳ و سطح معنی‌داری آن نیز معادل ۰/۰۰۰/ برآورد شد. که نشان‌دهنده تأثیر انجام تحلیل عاملی تحقیق می‌باشد. در مرحله بعد تحلیل واریانس و رگرسیونی هرکدام از عوامل مشخص گردید، که به شرح جدول (۵) می‌باشد.

جدول ۵- عوامل تعیین شده و درصد واریانس تبیین شده

عوامل	درصد تبیین واریانس هر عامل	درصد تبیین واریانس تجمعی
۱	۲۵/۸۳	۲۵/۸۳
۲	۲۴/۶۷	۵۰/۴۹
۳	۲۴/۱۴	۶۳/۷۴

ملاحظه می‌گردد که برای این نشانگرهای ۱۸ گانه در مجموع ۳ عامل شناسایی شده‌اند که ۶۳/۷۴ درصد واریانس را تبیین نموده‌اند. این عوامل بر اساس نوع متغیرها در جدول ۶ تعیین گردیده‌اند. در این جدول نیز سهم هر متغیر در عامل آمده است، که در تعیین نام عوامل یا بار عاملی می‌تواند نقش داشته باشد. هرچند تبیین ۶۳ درصد از تغییرپذیری در سطح توانمندی مهارتی کارآموزان زن مرکز خواهران ایلام توسط ۳ عامل احصاء شده

(اثرات روانی، اثرات شغلی و مهارتی، شایستگی و خودباوری) نشانگر اهمیت هر یک از آن‌هاست اما نباید این موضوع را نادیده گرفت که واریانس تجمعی ۶۳/۷۴ نشانگر وجود عوامل تأثیرگذار دیگری است که در این پژوهش مدنظر قرار نگرفته‌اند.

## ۲- رگرسیون گام به گام:

برای تعیین اثرات متغیرهای مستقل بر وابسته از رگرسیون بهره‌گیری شده است. متغیر وابسته توانمندی کارآموزان زن و متغیرهای مستقل عوامل مرتبط با آموزش‌های مهارتی می‌باشند. نوع رگرسیون گام به گام می‌باشد که در این روش قوی‌ترین متغیرها یک‌به‌یک وارد معادله می‌شوند تا هنگامی که خطای آزمون معنی‌داری به ۵ درصد برسد. در این تحقیق رگرسیون طی ۵ گام صورت گرفته است و ۵ متغیر مستقل به مدل وارد شده‌اند که شامل افزایش توانایی ایجاد تغییر در جهت مطلوب، افزایش دانش و آگاهی در رابطه با رشته آموزشی، افزایش توان انجام کار باتدبیر و روش‌های بهتر، افزایش انگیزه در جهت شرکت مؤثر در کلاس، افزایش توان علمی مطلوب می‌باشند. در جدول ۷ خلاصه مدل رگرسیونی آمده است. در این جدول بر اساس گام‌های طی شده شدت رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته در هر گام توسط ضریب همبستگی چندگانه نشان داده شده است. همچنین ضریب تعیین (مجذور ضریب همبستگی چندگانه) که نشان‌دهنده توان تبیین تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و ضریب تعیین تعدیل شده آمده است. به دلیل این که ضریب تعیین تعدیل شده به درجه آزادی وابسته است، نسبت به ضریب تعیین دقیق‌تر است. آنالیز واریانس نیز نشان‌دهنده معنی‌دار بودن رگرسیون تا گام ششم می‌باشد.

جدول ۶- عوامل تعیین شده متغیرهای مربوطه و درصد واریانس تبیین شده

عامل و نام آن	متغیرهای مربوطه	بار عاملی
عامل ۱: اثرات روانی	مشارکت در تصمیمات حیاتی خانواده و محیط زندگی	۰/۸۲۸
	افزایش تمجید از سوی خانواده	۰/۸۲۰
	این مهارت مرا نسبت به دیگران برتر می‌نماید	۰/۷۶۱
	بامهارتی که آموخته‌ام می‌توانم شغل ایجاد کنم	۰/۷۳۸
عامل ۲: مهارت و شغل	افزایش انگیزه در جهت شرکت مؤثر در کلاس	۰/۸۵۸
	افزایش دانش و آگاهی از فناوری‌های نوین رشته	۰/۷۳۸
	افزایش دانش و آگاهی از بازار کار این رشته آموزشی	۰/۷۲۰
	افزایش دانش و آگاهی در رابطه با رشته آموزشی	۰/۶۸۵
	افزایش دانش و آگاهی از شغل‌های مرتبط با رشته	۰/۵۹۵
عامل ۳: شایستگی و خودباوری	افزایش توان انجام کار باتدبیر و روش‌های بهتر	۰/۸۲۷
	افزایش توانایی ایجاد تغییر در جهت مطلوب	۰/۷۷۳
	افزایش رغبت به کار گروهی	۰/۶۴۸
	افزایش توان علمی مطلوب	۰/۶۲۶
	افزایش قدرت اتکا به خود	۰/۵۶۰
	بامهارتی که آموخته‌ام احساس توانایی خوبی دارم	۰/۵۵۵
	افزایش تغییرات مؤثر در من شده است	۰/۵۳۰

جدول ۷- خلاصه و متغیرهای وارد شده به مدل در هر گام از رگرسیون

مدل	متغیرهای وارد شده به مدل	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده
۱	افزایش توانایی ایجاد تغییر در جهت مطلوب	۰/۸۴۵	۰/۷۱۳	۰/۷۱۰
۲	افزایش دانش و آگاهی در رابطه با رشته	۰/۹۱۹	۰/۸۴۵	۰/۸۴۱
۳	افزایش توان انجام کار باتدبیر و روش‌های بهتر	۰/۹۴۷	۰/۸۹۸	۰/۸۹۴
۴	افزایش انگیزه در جهت شرکت مؤثر در کلاس	۰/۹۵۹	۰/۹۲۰	۰/۹۱۶



۰/۹۳۱	۰/۹۳۵	۰/۹۶۷	افزایش توان علمی مطلوب	۵
-------	-------	-------	------------------------	---

در جدول (۸) آخرین مرحله از اجرای رگرسیون گام به گام متغیرها، ضرایب استاندارد و غیراستاندارد، انحراف معیار، طی استیوانت و معنی داری آنها آمده است. مشاهده می‌گردد تمامی متغیرهای وارد شده به مدل در هر مرحله بامعنی داری بالایی به تحلیل وارد شده‌اند و تا گام ششم بامعنی داری در سطح یک درصد وارد مدل شده‌اند.

جدول ۸- ضرایب به دست آمده از تحلیل رگرسیون و سطوح معنی داری آنها

ضریب تیین R <sup>۲</sup>	Sig	t	ضرایب	ضرایب		متغیرهای وارد شده در مدل	مدل
			استاندارد شده	انحراف معیار	(B)		
۰/۷۱۳	۰/۰۰	۱۴/۴۵۹	۰/۸۴۵	۰/۰۳۷	۰/۵۲۸	افزایش توانایی ایجاد تغییر در جهت مطلوب	۱
۰/۸۴۵	۰/۰۰	۹/۸۴	۰/۵۴۸	۰/۳۵	۰/۳۴۳	افزایش توانایی ایجاد تغییر در جهت مطلوب	۲
	۰/۰۰	۸/۴۱	۰/۴۶۹	۰/۴۶	۰/۳۸۶	افزایش دانش و آگاهی در رابطه با رشته آموزشی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی	
۰/۸۹۸	۰/۰۰	۵/۸۶	۰/۳۳۲	۰/۰۳۵	۰/۲۰۷	افزایش توانایی ایجاد تغییر در جهت مطلوب	۳
	۰/۰۰	۹/۷۳	۰/۴۴۵	۰/۰۳۸	۰/۳۶۷	افزایش دانش و آگاهی در رابطه با رشته آموزشی	
	۰/۰۰	۶/۴۷	۰/۳۲۶	۰/۰۳۷	۰/۲۳۹	افزایش توان انجام کار باتدبیر و روش‌های بهتر	
۰/۹۲۰	۰/۰۰	۷/۱۲۲	۰/۳۶۰	۰/۰۳۲	۰/۲۲۵	افزایش توانایی ایجاد تغییر در جهت مطلوب	۴

	۰/۰۰	۵/۷۰۳	۰/۲۹۴	۰/۰۴۲	۰/۲۴۲	افزایش دانش و آگاهی در رابطه با رشته آموزشی
	۰/۰۰	۶/۷۸۷	۰/۳۰۵	۰/۰۳۳	۰/۲۲۴	افزایش توان انجام کار باتدبیر و روش های بهتر
	۰/۰۰	۴/۷۹۵	۰/۲۰۹	۰/۰۳۴	۰/۱۶۳	افزایش انگیزه در جهت شرکت مؤثر در کلاس
	۰/۰۰	۳/۶۹۷	۰/۲۱۳	۰/۰۳۶	۰/۱۳۳	افزایش توانایی ایجاد تغییر در جهت مطلوب
۰/۹۳۵	۰/۰۰	۵/۶۱۸	۰/۲۶۶	۰/۰۳۹	۰/۲۱۹	افزایش دانش و آگاهی در رابطه با رشته آموزشی
	۰/۰۰	۷/۶۷۷	۰/۳۱۴	۰/۰۳۰	۰/۲۳۰	افزایش توان انجام کار باتدبیر و روش های بهتر
	۰/۰۰	۴/۸۸۸	۰/۱۹۵	۰/۰۳۱	۰/۱۵۲	افزایش انگیزه در جهت شرکت مؤثر در کلاس
	۰/۰۰	۴/۲۲۸	۰/۲۰۶	۰/۰۳۰	۰/۱۲۷	افزایش توان علمی مطلوب

### بحث و نتیجه گیری

بر اساس نتایج به دست آمده از پرسش نامه‌ها مشخص گردید که آموزش های مهارتی ارائه شده در مرکز خواهران در توانمندی مهارتی بانوان شرکت کننده در این دوره‌ها تأثیر داشته و توانسته است توانمندی آنان را از جنبه های مختلف افزایش توانایی ایجاد تغییر در جهت مطلوب، افزایش دانش و آگاهی در رابطه با رشته آموزشی، افزایش توان انجام کار باتدبیر و روش های بهتر، افزایش انگیزه در جهت شرکت مؤثر در کلاس، افزایش توان علمی مطلوب، افزایش قدرت اتکا به خود را افزایش دهد. این نتیجه با نتایج پژوهش های (پاپزن و همکاران ۱۳۹۱؛ شکوری و همکاران ۱۳۸۶؛ منفرد ۱۳۸۷؛ قلی پور و رحیمیان ۱۳۸۸؛ جعفری مه تاش ۱۳۸۵) مطابقت دارد.

با توجه به یافته‌های پژوهش، سطح دانش مهارتی پاسخ‌گویان در زمینه‌های مهارتی پس از شرکت در برنامه‌های آموزشی فنی و حرفه‌ای غیررسمی، در تمامی زمینه‌ها افزایش یافته است. بنابراین دستیابی به هدف افزایش تغییر دانش مشارکت‌کنندگان که جزء اهداف آموزش‌ها می‌باشد تحقق یافته است. بر اساس میانگین‌های رتبه‌ای عوامل مؤثر بر سنجش توانمندی مهارتی کارآموزان زن که عوامل را از قوی به ضعیف رتبه‌بندی نموده است، می‌توان بر اساس آن اثر آموزش‌های مهارتی را بر هر نشانگر به‌طور مجزا مشخص نمود. و مدیران و برنامه‌ریزان آموزشی بایستی توجه خود را به نشانگرهای ضعیف از جمله بامهارتی که آموخته‌ام می‌توانم شغل ایجاد کنم، انگیزه در جهت ایجاد کارگاه خوداشتغالی، مشارکت در تصمیمات خانواده و محیط زندگی بیشتر معطوف نمایند.

تحلیل عاملی برای ویژگی‌های آموزش‌های مهارتی کارآموزان زن مرکز خواهران ایلام ۳ دسته عامل با واریانس ۶۳/۷۴ معرفی نمود. نتایج رگرسیون گام‌به‌گام نشان داد که ۶ متغیر مستقل به مدل وارد شده‌اند که شامل افزایش توانایی ایجاد تغییر در جهت مطلوب، افزایش دانش و آگاهی در رابطه با رشته آموزشی، افزایش توان انجام کار باتدبیر و روش‌های بهتر، افزایش انگیزه در جهت شرکت مؤثر در کلاس، افزایش توان علمی مطلوب، افزایش قدرت اتکا به خود می‌باشند. که توانسته‌اند ۹۴/۲ درصد تغییرات را تبیین نمایند نتایج با تحقیقات (قلی‌پور و رحیمیان ۱۳۸۸؛ پاپ‌زن و همکاران ۱۳۹۰) مطابقت دارد.

بر اساس نتایج حاصل پیشنهاد می‌گردد:

- ۱- محتوی آموزشی دوره‌ها متناسب با نیازهای آموزشی مورد بازبینی و ویرایش قرار گیرد و در تدوین محتوی و استانداردها به جدیدترین روش‌های تدریس، ابزارها و تجهیزات نوین و نوآوری‌ها جهت ایجاد بستر اشتغال توجه ویژه گردد.
- ۲- پژوهش‌های مشابه ای در استان‌های دیگر و یا به‌صورت منطقه‌ای در جهت شناخت بهتر نظر شرکت‌کنندگان در این دوره‌ها به انجام برسد.

#### منابع

۱. پاپ‌زن، ع ح؛ خالدی، خ؛ سلیمانی، ع. (۱۳۹۰). ارزشیابی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای زنان روستایی در زمینه صنایع دستی. فصلنامه علمی، پژوهشی جامعه‌شناسی زنان، سال دوم، شماره سوم: ۳۷-۲۱.
۲. جعفری مه‌تاش، م، (۱۳۸۵)، بررسی و شناخت تأثیر خدمات کمیته امداد امام خمینی بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران با عنوان پایان‌نامه کارشناسی ارشد منتشر نشده.

۳. شکوری، ع؛ رفعت‌جاه، م؛ جعفری، م. (۱۳۸۶). مؤلفه‌های توانمندی زنان و تبیین عوامل مؤثر بر آنها، پژوهش زنان، دوره ۵، شماره ۱: ۱-۲۶.
۴. کتابی، م؛ یزدخواستی، ب؛ فرخی راستابی، ز. (۱۳۸۲) توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه، فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۱، سال ۳، شماره ۷: ۳۰-۵.
۵. قلی‌پور، آ؛ رحیمیان، ا. (۱۳۸۸).. رابطه عوامل اقتصادی، فرهنگی و آموزشی با توانمندسازی زنان سرپرست خانوار، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال یازدهم، شماره ۴۰: ۶۲-۲۹.
۶. قلی‌پور، آ؛ رحیمیان، ا؛ میرزمانی، ا. (۱۳۸۷). نقش تحصیلات رسمی و اشتغال سازمانی در توانمندسازی زنان تهران، پژوهش زنان، دوره ۶، شماره ۳: ۱۳۲-۱۱۳.
۷. منفرد، ن. (۱۳۸۷). بررسی نقش آموزش‌های علمی‌کاربردی در توانمندسازی فارغ‌التحصیلان کارآفرین. مطالعه موردی مرکز آموزش عالی علمی‌کاربردی علوم و صنایع شیلاتی خلیج فارس بوشهر، هفته‌نامه جامع دانشگاه جامع علمی‌کاربردی شماره ۳۱۷ و ۳۱۸.

